



سجاد عابدی

کارشناس امنیت سایبری

هژمونی آمریکایی در مدیریت و کنترل فضای سایبر، شناسایی و نظارت فراحاکمیتی بر توانمندی های اقتدارافزای جامعه، تهدیدات و تهاجمات سایبری، پذیرش الگوی رفتاری و سبک زندگی فراملی و فرافرهنگی و مهندسی و مدیریت فرهنگی فراملی و فرهنگ منحنط و اباحه‌گر چالش های راهبردی حکمرانی عرصه جهانی سازی سایبری است. فهم صحیح گسترش سلطه افکنی غرب با فضای سایبر مبنای کلیدی برای جهت دهی سیاست های گسترش فضای سایبر خواهد بود. بحران های حال حاضر جهان به واسط و جود حجم قابل توجهی از مشکلات در فضای سایبری جهان رخ می دهد. پیش از این کارشناسان کشورهای مختلف در رابطه با بسیاری از این مسائل در حد نظری و تئوریک سخن می گفتند و وجود سناریوهای احتمالی برای استفاده از فضای سایبری در ایجاد تاثیر مخرب بر زیرساخت ها و سیاست های دیگر کشورها را رد می کردند. امروز جامعه دانشمندان و کارشناسان نه تنها این موضوع را پذیرفته اند بلکه هم اکنون از حقایقی در رابطه با عملی شدن استفاده از سلاح های سایبری سخن می گویند. تحلیل و بررسی گزاری شرکت های خارجی پیشگام در حوزه امنیت اطلاعات نشان می دهد که بیشتر تعداد حملات رایانه ای با استفاده از زیرساخت های اطلاعاتی از ایالات متحده بوده است. آمریکایی ها ۵۰ تا ۸۵ درصد از فعالیت های مخرب در اینترنت را طی ۴ سال گذشته مرتکب شده اند. با وجود اهمیت فزاینده امنیت سایبری، قواعدی جهانی که تنظیم کنند ر رفتار مسئولانه در فضای سایبری باشند، وجود ندارند. علی رغم تلاش هایی که در سازمان ملل و هم چنین، سازمان های منطقه ای برای وضع قوانینی در خصوص رفتار مسئولانه در فضای سایبری انجام شده است، این وضعیت نامطلوب هم چنان ادامه دارد. به عنوان مثال، روسیه عضو کنوانسیون بوداپست در خصوص جرائم سایبری -که احتمالا مهم ترین معاهده جرائم سایبری تا به امروز است- نمی باشد. به طور مشابه، ابتکارات بخش خصوصی، مانند آنچه مایکروسافت متعهد به انجام آن شد، در هتجاهای الزام آور جهانی تجلی پیدا نکرد. تلاش های جامعه دانشگاهی -که منتصبی به تدوین دستورالعمل تالین ۲ و ۱ شد- نیز از لحاظ عملی ارزش ناچیزی دارد، چرا که این متون، فارغ از زبان پرطمطراقی که دارند، در زمره اسناد غیرالزام آور به شمار می روند. این خلأ قانونی، مسیر را برای ارائه راهکارهای یکجانبه گرایانه هموار نمود. فارغ از بیانه های دیپلماتیک در محکومیت اقدامات مخرب سایبری، دولت ها شروع به تصویب مقرراتی کرده اند که اجازه اعمال تحریم های اقتصادی یکجانبه (تحریم های خارج از چارچوب سازمان ملل) علیه اتباع خارجی، اشخاص حقوقی و حتی نهادهای دولتی دخیل در فعالیت های سایبری مخرب را می دهد. این تحریم ها را «تحریم های سایبری» نامیده اند. این تحول، نه تنها آغازگر مجدد بحث های مفصلی در خصوص قانونی بودن تحریم های یکجانبه اقتصادی و رابطه آنها با قوانین سازمان تجارت جهانی است، بلکه مصادیق هموار کننده های دیپلماتیک دولت ها را نیز تعیین می نماید. حملات سایبری با جنگ سایبری و تروریسم سایبری متفاوت است. جنگ سایبری در عمل تاکنون اتفاق نیفتاده است، هر چند در جنگ سایبری از خونریزی ها و برانی های مرسوم در جنگ های کلاسیک خبری نیست، اما در این جنگ، ممکن است سیستم ها و برنامه هایی از بین برود که جان انسان ها را به خطر بیندازد. اما حمله سایبری متفاوت است. رودریگز در تعریف حمله سایبری می گوید: حمله سایبری، اختلال در صحت یا درستی داده ها است که معمولا از طریق کدهای مخرب و تغییر در منطق برنامه ها و کنترل داده ها که به خروجی های اشتباه منجر می شود، صورت می گیرد. بر همین اساس، وزارت دفاع آمریکا، فضای سایبری را در کنار زمین، دریا، هوا و جو بیرونی به عنوان پنجمین عرصه جنگ قرار داده است. این وزارتخانه، مرکزی را با عنوان فرمانده سایبری با هدف حمایت از شبکه های نظامی آمریکا تشکیل داده که تحت مدیریت فرماندهی استراتژیک است. برخی تحلیلگران معتقدند آژانس امنیت ملی آمریکا باید مسئولیت امنیت سایبری در آمریکا را برعهده بگیرد. کارکرد اصلی و عمده این نهاد، نظارت بر انتقال اطلاعات است. به گفته کاولی، این نظارت اطلاعاتی از طریق رصد کاربران در فضای مجازی و به طور مشخص در فضای اینترنت رقم می خورد. اما برخی کارشناسان بر این باورند که ماهیت فوق العاده مجرمانه این آژانس می تواند در نهایت به شفافیت کمتر و در نتیجه مشارکت کمتر منجر شود. بر این اساس وزارت امنیت داخلی، بهترین نهاد برای مقابله با تهدیدات سایبری است. در گزارش سالانه وزارت امنیت داخلی که در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، امنیت سایبری، یکی از پنج حوزه اصلی ماموریت این وزارتخانه در نظر گرفته شد. دولت جوبایدن از تمام جهان و فضای اطلاعاتی آن به عنوان «قلعرو منافع خود» نام برد. همزمان تاثیر اطلاعاتی خصمانه از سوی آمریکا در درجه اول بر کشورهایی است که با سیاست های وا شنگتن مخالف هستند. در اواسط سال ۱۴۰۱ عملکرد شبکه گازرسانی چند کشور در نتیجه حمله سایبری آمریکایی -اسرائیلی مختل شد. چین کاخ سفید را برای انجام حملات سایبری گسترده برای هدف قراردادن نهاد های آموزشی این کشور متهم کرد. تهدیدات سایبری یکی از چالش های اساسی امنیت ملی آمریکا است. از آنجا که امنیت سایبر یک مسئله ملی است، بخش خصوصی در آمریکا عملنامی تواند حافظ امنیت در حرم خصوصی باشد. آمریکا برای ارتقای امنیت سایبری تلاش می کند استراتژی هایی در هر دو جنبه داخلی و خارجی ترسیم کند. اما مشارکت بخش خصوصی و دولتی به دلیل اختلاف در به اشتراک گذاری اطلاعات منجر به ناکامی در این استراتژی ها شده است. به هر حال آمریکا خود به این جنگ روی آورده است و مسلما رقبا و حریفان آمریکا نیز در این زمینه خود را تجهیز خواهند کرد و چه بسا بتوانند در این زمینه از آمریکا پیشی بگیرند. تمامی این حقایق نشان می دهد که ارتکاب به حملات سایبری و تاثیر روانی علیه ایران، روسیه و چین توسط ایالات متحده و هم پیمانانش که اسرائیل در درجه اول قرار دارد، نقض آشکار قوانین بین المللی و گواهی بر وجود استانداردهای دگانه غرب نسبت به حوزه امنیت است.

کمال الدین پیرموزن در گفت وگو با «آرمان ملی»:

پزشکیان نباید به تندروها

میدان می داد



دولت پزشکیان به روزمرگی افتاده است

باور نمی‌کردم پزشکیان خلف وعده‌کند

در دولت پزشکیان چرخش قدرت رخ نداد

آرمان ملی - احسان انصاری: کمال الدین پیرموزن نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی و یکی از دوستان نزدیک مسعود پزشکیان مهمان روزنامه «آرمان ملی» بود. در گفت وگویی که با وی داشتم، از روزهای آشنایی با مسعود پزشکیان از ابتدای انقلاب تا امروز که او معتقد است پزشکیان تغییر کرده، صحبت شد. پیرموزن در این زمینه به «آرمان ملی» گفت: «از نظر شخصیتی ایشان هیچ تغییری نکردند اما از نظر سیاسی و وعده هایی که به مردم داده بودند تغییر کرده است. واقعیت این است که من باور نداشتم که آقای پزشکیان خلف وعده کنند و امانت دار وعده هایی که در زمان انتخابات دادند نباشند. ایشان به خاطر اینکه با کسانی

آشنایی شما با آقای پزشکیان به چه زمانی باز می‌گردد؟

آشنایی با آقای پزشکیان به ابتدای انقلاب با می‌گردد. در آن زمان به دلیل اینکه برادر من با ایشان هم دانشگاهی بود آشنایی و رابطه ما آغاز شد. در مقطعی نیز برادر بنده و پسر عمو ما معاون آقای پزشکیان بودند. این ارتباط تا امروز نیز ادامه داشته است.

رفت و آمد خانوادگی هم وجود دارد؟

در گذشته زمانی که همسر آقای پزشکیان همسر بنده در قید حیات بودند، ارتباط خانوادگی بین ما وجود داشت اما پس از اینکه همسر ایشان و بنده از دنیا رفتند دیگر ارتباط خانوادگی بین ما وجود ندارد.

با شناختی که از آقای پزشکیان دارید به چه میزان این احتمال را می‌دادید که ایشان با گذشت زمان تغییر کند و رویکرد دیگری در پیش بگیرد؟

تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری احتمال نمی‌دام و فکر نمی‌کردم تغییری در روحیات و دغدغه های آقای پزشکیان صورت گیرد، اما از زمانی که رئیس جمهور شدند، بین اقداماتی که امروز انجام می‌دهد و اظهاراتی که در گذشته مطرح می‌کردند تفاوت به وجود آمده است.

این تغییر از نظر شخصیتی بود یا سیاسی؟

آقای پزشکیان از نظر شخصیتی هیچ تغییری نکرده اما از نظر سیاسی و وعده هایی که به مردم داده بودند تغییر کرده است. واقعیت این است که من باور نداشتم که آقای پزشکیان خلف وعده کنند و امانت دار وعده هایی که در زمان انتخابات دادند نباشند. ایشان به خاطر اینکه با کسانی رقابت کرد که کشور را به بن بست رسانده بودند و جمهوریست نظام را از بین برده بودند مورد حمایت مردم و نخبگان قرار گرفت. به همین دلیل ما انتظار نداشتم فردای پیروزی در انتخابات پزشکیان به همین افراد میدان بدهد و با آنها در یک مسیر قرار بگیرد. امروز شرایط به شکلی است که اغلب اعضای کابینه و نزدیکان آقای پزشکیان در دولت به شکلی رفتار می‌کنند که گویی اصلا انتخاباتی در کشور برگزار نشده و تنها اتفاقی که رخ داده این است که به جای مرحوم رئیسی آقای پزشکیان به عنوان رئیس جمهور انتخاب شده اند. ما تلاش زیادی برای پیروزی آقای پزشکیان کردیم. به خاطر دارم که در بندر انزلی که برای تبلیغات انتخاباتی حضور پیدا کرده بودم قیپ با آقای دنیامالی بود که هم آقای پزشکیان را زیر سوال می برد و هم تیمی که در اختیار ایشان بود، برای آقای قالیباف تبلیغ می‌کردند. سخنرانی من در استان گیلان به شکلی بود که آقای حق شناس که امروز استاندار گیلان هستند به من گفتند سخنرانی شما از سخنرانی آقای پزشکیان نیز برای ترغیب مردم برای حمایت از ایشان موثرتر بود. بااین وجود اتفاقی که در نهایت رخ داد این بود که فردی که علیه آقای پزشکیان فعالیت می‌کرد به عنوان وزیر انتخاب شد و

از برخی ویژگی های مثبت و نقاط قوت آقای پزشکیان نباید به راحتی گذشت. من معتقدم اگر رقیب ایشان در انتخابات پیروز می‌شد، تندروها حتی با کشوری مانند آذربایجان نیز جنگ و درگیری راه می‌انداختند

حامیان ایشان کنارگود ماندند. اتفاق مهم دیگری که انتظار می‌رفت در دولت پزشکیان رخ بدهد چرخش قدرت بوده که اتفاق نیفتاد. از سوی دیگر نوسازی اجتماعی نیز رخ نداد و همان کسانی که در گذشته بر مسند کار قرار داشتند و کشور را به بن بست رساندند دوباره در مراکز تصمیم‌گیری حضور دارند.

چرا چرخش قدرت و نوسازی اجتماعی اتفاق نیفتاد؟ کار به جایی رسیده که صدای مردم در دولت و مجلس شنیده نمی‌شود. افراد کاربلد و متعهدی مانند آقای طریف و همتی نیز در دولت حضور داشتند که به شکل های مختلف حذف شدند. در واقع آنچه در دولت پزشکیان رخ داد این بود که جریان تندرو از این وضعیت سوءاستفاده کرد. واقعیت این است که پزشکیان به جوهره انتخابات که چرخش قدرت و نوسازی اجتماعی است اهمیت نداد و همان صف آراییی سیاسی، با نام و عنوان جدید تحت نام وفاق ملی ادامه پیدا کرده است. این در حالی است که کار مردم را به صورت قوی و جدی دنبال نمی‌کنند. نوع مدیریت است که ضعیف‌ترین کشورها را به قوی‌ترین کشورها تبدیل کرده که نمونه بارز آن کشورهای آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم بوده است. من انتظار دیگری از ستارخان زمانه داشتم.

این گونه القاب دادن به پزشکیان شعار نبود؟

بله، در واقع چنین بود و ما چنین فکری نمی‌کردیم که شرایط به شکل دیگری رقم بخورد.

فردی که علیه آقای پزشکیان فعالیت

می‌کرد به عنوان وزیر انتخاب شد و

حامیان ایشان کنار گود ماندند. اتفاق

مهم دیگری که انتظار می‌رفت در دولت

پزشکیان رخ بدهد چرخش قدرت بوده

که اتفاق نیفتاد

حشمت... فلاحت پیشه:

روسیه رابطه با ایران را راهبردی نمی‌بیند

خارجی مسیری را پروند که منافع روس ها نیز در آن مسیر تأمین شود. تا زمانی که ایران در سطره سیاست خارجی روسیه خارج نشود، مشکلاتش با غرب حل نمی‌شود. حشمت... فلاحت پیشه تصریح کرد: زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین اعلام کردم تا مسکو درگیر این جنگ است ایران باید مشکلات خود را با آمریکا و اروپا حل کند. الان هم معتقدم در دنیای اژانرشی امروز ایران فارغ از منافع دیگر بازیگران، تنها در قالب منافع ملی خود عمل و به سمت تنش زدایی حرکت کند. هدف روس ها حفظ ایران در شرایط خا کریز گونه ای است که این شرایط خا کریزگونه نه تنها منافع ایران را تأمین نمی‌کند بلکه هیچ مصداقی از منافع راهبردی نیز به حساب نمی‌آید.

ملی و سیاست خارجی مجلس دهم یادآور شد: هیچ گاه ارتباطی با روحانی و دولت او ارتباطی نداشتم و اظهاراتم در دفاع از او و محمد جواد ظریف نیست. ضمن آنکه برجام در زمانی امضا و تصویب شد که من نماینده مجلس نبودم. اتفاقا کمیسوینی در مجلس برجام را بررسی کرد و گزارش نهایی را به صحن علنی داد که ریاستش با پایداری ها بود. این و وجود معتقدم مجلس ایران نباید تریبونی به نفع روسیه باشد، این اتفاق بدی بود و بدترین الفاظ آنجا علیه برخی ایرانی ها و به نفع روس ها به کار گرفته شد. وی افزود: رابطه ایران و روسیه راهبردی نیست و روند تحولات نیز این را نشان می‌دهد و عملا روس ها توانستند ایران را به تنگنایی ببرند که ایرانی ها هیچ چاره ای ندارند در سیاست

گزارش

آزمون سخت استراتژی خاورمیانه‌ای
چرا پکن در جنگ ایران و اسرائیل
منفعل بود؟

همزمان با حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران و سنگینی سایه تشدید درگیری‌های منطقه‌ای، واکنش چین نشان دهنده بلندپروازی آن برای شکل دهی به امور جهانی بود و هم‌زمان محدودیت‌های این بلندپروازی را آشکار کرد. این درگیری تبدیل به آزمونی سخت برای استراتژی چین در خاورمیانه، نقش آن در دیپلماسی جهانی و انسجام چیزی شد که برخی آن را محور نوظهور بین چین، روسیه و ایران می‌نامند. در سطح ظاهری، واکنش چین سریع و همسو با سیاست خارجی کلی اش بود. چین با محکومیت قوی حملات اسرائیل، خواستار آتش بس فوری شد و فعالیت دیپلماتیک گسترده‌ای را در سازمان ملل آغاز کرد. وزیر امور خارجه چین، وانگ یی، تجاوز اسرائیل را نقض قوانین بین‌المللی دانست و رئیس جمهور این کشور، شی جین پینگ، در پیامی خواستار کاهش تنش‌ها شد. مواضعی که چین را به عنوان قدرتی مسئول در دفاع از ثبات جهانی معرفی کرد.

گفتار برطمطراق

اندیشکده خامورمیانه مدعی شد: عملکرد چین در درگیری اسرائیل و ایران، کاملاً در چارچوب «بی‌طرفی فعال» خاص خودش جای می‌گرفت. با محکوم کردن اسرائیل و درخواست صلح، پکن تصویر خود را به عنوان بازیگری مسئول در عرصه بین‌المللی تقویت کرد. بازیگری متعهد به حکمیت ملی، عدم دخالت و رعایت حقوق بین‌الملل. چین با استفاده از شورای امنیت سازمان ملل، این مواضع را دنبال کرد و همراه با روسیه و پاکستان خواستار آتش بس فوری و بدون قید و شرط شد. این رویکرد به چین اجازه داد جایگاه اخلاقی بالاتری نسبت به آمریکا داشته باشد، کشوری که حملات هوایی اش به تأسیسات هسته‌ای ایران توسط بسیاری تشدیدکننده و نابایدارکننده تلقی شد با این حال، چین فراتر از اعلامیه‌های رسمی هیچ تلاشی جدی برای میانجیگری میدان اسرائیل و ایران نکرد. با وجود توافق همکاری استراتژیک ۲۵ ساله با تهران و تمایل به حفظ دسترسی به انرژی ایران، پکن هیچ اقدامی که بتواند مسیر درگیری را تغییر دهد ارائه نداد. برخلاف آمریکا، چین نه متحدان را بسیج کرد و نه تضمین‌های امنیتی داد. هم‌چنین از روابط اقتصادی خود با هیچ‌یک از طرفین برای فشار برای کاهش تنش استفاده نکرد. پیششهاد چهار بندی رئیس جمهور شی، گرچه اصولاً آشکارا تکرار می‌کرد، مسیر روشنی برای کاهش تنش ارائه نداد. البته خصوصیت عمیق، محاسبات و اهداف دو طرف - اسرائیل و ایران - ممکن است هرگونه تلاش آشکار پکن را بی‌فایده کرده باشد. بااین حال، این موضوع نشان دهنده فاصله میان اهداف جهانی چین و نمایش به درگیر نشدن در تعهدات امنیتی است که می‌تواند به منافع اصلی اش، به‌ویژه با پادشاهی‌های خلیج فارس و بازارهای بزرگ جهانی، آسیب برساند. تفاوت آشکار میان عزم عملی آمریکا و دیپلماسی روایی این نگاه بازیگران منطقه‌ای دور نخواهد ماند. در حالی که چین تصویری چندقطبی از جهان بر پایه خویشتن داری و توسعه را ترویج می‌دهد، این آمریکا است که با وجود بسیاری از اشتباهات استراتژیکش، همچنان به دنبال تغییر واقعیات میدانی است.

آسیب‌پذیری در تنگه هرمز

یکی از دغدغه‌های اصلی چین در هر درگیری در خاورمیانه، آسیب‌پذیری در تأمین انرژی است. حدود ۴۰ درصد وارداتی چین از این منطقه تأمین می‌شود و نزدیک به ۴۰ درصد از عرضه نفت جهانی از تنگه هرمز عبور می‌کند. این جنگ به طور موقت خطر مسدود شدن تنگه هرمز توسط ایران را تشدید کرد و پکن با فاصله هشدار داد که «تنش‌های منطقه‌ای» می‌تواند بر توسعه اقتصاد جهانی تأثیر منفی بگذارد. این درگیری یک اصل کلیدی در استراتژی انرژی چین را تأیید کرد: منافع چین آسیب‌پذیرند اما به‌طور کامل در معرض شوک‌های خاورمیانه نیستند. این آسیب‌پذیری چین را به تلاش برای عرضه بخشی از زمین در آسیای مرکزی و کردیو و اقتصادی چین - پاکستان (CPEC) ترغیب کرد. همچنین ممکن است این درگیری باعث زنده شدن مجدداً علاقه به پروژه تله لوله «قدرت سیبری ۲» شده باشد، پروژه‌ای که به دلیل اختلافات قیمتی و احتیاط پکن نسبت به وابستگی به انرژی روسیه به تعویق افتاده بود. این احتیاط لجستیکی به یک عنصر کلیدی در امنیت ملی چین تبدیل شده است. با این حال، این درگیری نشان داد که امنیت انرژی همچنان نقطه ضعف نرم چین در بحران‌های جهانی است.

محدودیت در محور شرق

اگر درگیری اسرائیل و ایران به عنوان آزمونی برای سنجش توان اتحاد مخالف غرب در نظر گرفته شود، اتفاقات رخ داده، برخی شکاف‌ها را نشان داد. بسیاری از تحلیل‌گران غربی محور پکن، مسکو و تهران را ائتلافی غیررسمی می‌دانند که می‌تواند وزنه‌ای در برابر ناتو باشد. اما این جنگ نشانه مثبتی برای آن نبود. امتناع روسیه از حمایت قوی‌تر از تهران، که با اظهار نظر بوتین مبنی بر اینکه «اسرائیل تقریباً یک کشور روسی زبان است، توجیه‌نشده شد. دگواتنی رویکرد مسکو را نشان داد. چین نیز فاصله خود را حفظ و ثابت کرد که شرکت‌های راهبردی لزوماً به معنای اتحاد نیست و اشتراک در نارضایتی‌ها از غرب با اهداف مشترک تفاوت دارد. چیزی که نمایان می‌شود، الگوی محافظه‌کاری استراتژیک است که چین با آن سعی دارد.